

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد

۰۷ مارچ ۲۰۲۲

نگاهی از بیرون به تعارض اوکراین

سر انجام دولت روسیه در ادامه کشمکش‌های سیاسی - رقابتی به اوکراین حمله و جنگ خانماسوزی را به توده‌های ستمدیده این کشور تحمیل کرده است. از یک نگاه و بنابه ارزیابی ژورنالیست‌های امپریالیستی می‌شود یکی از طرفین جنگ را محق، و طرف دیگر را بناحق دانست؛ می‌توان نادرستی جنگ را به آغازگر آن نسبت داد و از درک ماهیت حقیقی آن صرف‌نظر کرد؛ نیز می‌توان تصویرپردازی‌های سیاسی بسیار ساده‌انگارانه، مبنی بر جنگ بلوک و قطب‌بندی‌های امپریالیستی ارائه داد و به جهان دو قطبی و یا چند قطبی اشاره کرد! جهان دو و یا چند قطبی که قبل‌ترها پرونده آن بسته و همه با بینش واحد و علی‌رغم تضادهای چند، در پی حفظ مناسبات امپریالیستی، تعرض به ثروت‌های جامعه، کارگران، زحمت‌کشان، باز تعریف و تقسیم مجدد جهان سرمایه‌داری‌اند. به همین دلیل ضروریست تا از بیرون به مناقشات و تعارض اوکراین [یعنی خارج از هیاهوهای رقابتی امپریالیستی و نیز دیدگاه‌های نامطابق با قانون‌مندی‌های حاکم بر جهان سرمایه‌داری] نگاه کرد.

ولی قبل از هر چیز، نظر به این‌موضوع بی‌حاصل نیست که حمله به زیرساخت‌های جامعه و نیز به زندگی و به خانه‌های غیراستاندارد مردم اوکراین، قضیه‌ای ضد انسانی و در همان‌حال تجاوزگرانه است و ربطی به نیازهای جامعه بحران‌زده و بهبودی زندگی مردم ندارد؛ علل اساسی آن‌هم، مربوط به پیوستن بعضاً کشورها به جمعیت ناتو و یا به دیگر دول امپریالیستی نیست. صورت مسأله‌هایی که سرمایه‌داران طراح آنند و ورود بی‌رویه به این مباحث، گمراه کننده و در همان‌عین‌انحراف از ارائه درک صحیح از ماهیت جنگ‌های سازمان داده شده توسط قدرت‌مداران بین‌المللی است.

در هر صورت قدرت‌مداران بزرگ فضای میلیتاریستی و جنگ دیگری را در گوشه‌ای از جهان سراسر فقر و نداری، به توده‌های ستمدیده تکلیف و میلیاردها دالر هزینه کرده‌اند تا هژمونی خود را به اثبات برسانند. جنگی که پیشاپیش متضرران و سودبران آن مشخص است. یعنی این‌که سود آن، از آن سیاست‌مداران، کمپانی‌های اسلحه‌سازی، شرکت‌های ساختمانی و راه‌سازی و نظایر این‌هاست و در این‌بین نصیب جامعه و مردم، خرابی زیرساخت‌ها و بازپرداخت هزینه‌های پس از جنگ خواهد بود. همه جنگ‌های امپریالیستی پیرو این خصوصیت‌اند و بدون کم‌ترین شبهه‌ای برپائی جنگ و جنایت در اوکراین هم، فارغ از سیاست‌های فوق و درضمن ابتداء به‌ساکن نبوده و نیست. حاوی بیش‌زمینه‌هایی هم‌چون آشفستگی روزافزون نظام‌های سرمایه‌داری، برکناری «ویکتور یانکوویچ» از حامیان دولت

روسیه و نیز از مخالفان عضویت اوکراین در پیوستن به ناتو، مرتبط به حملات پی‌درپی دولت اوکراین به منطقه دونباس و جمهوری‌های خودخوانده «دونتسک و لوهانسک» و نیز در ارتباط با زیرپا گذاشتن توافقات امپریالیستی در وقت‌های متفاوت در یکی دو دهه اخیر است. پس، به‌خطا خواهیم رفت، چنان‌چه خواهیم جنگ اوکراین را خارج از تشنج‌ها و رقابت‌هایی که طی یکی دو دهه اخیر تجلی خود را در "انقلاب‌های رنگین" به‌نمایش گذاشته‌اند، توضیح دهیم. مگر به‌غیر از این بوده و هست که جنگ‌های امپریالیستی با چنین قصدی سازمان داده شده‌اند و همه آن‌ها از مضمون و از محتوای واحدی برخوردارند؟ در حقیقت فیلم‌نامه‌ها بیش‌تر شبیه به هم و در این‌بین بازیگران و مناطق متغیر و قابل جابه‌جایی هستند. از جنگ به بهانه مبارزه با کُشتار سلاح‌های جمعی، به زیر کشیدن دیکتاتورها و جای‌گزین کردن دمکراسی ادعائی گرفته، تا تلاش و جدل بر سر عدم وصل سیاسی مملکتی به گوشه‌ای دیگر از جهان سرمایه‌داری و غیره، حکایت از آن دارد که یکی از سیاست‌های اصلی دولت‌های امپریالیستی، سازمان‌دادن و برپائی جنگ‌های مخرب در گوشه و کنار دنیا است. سیاست جنگی که بنابه خبرگزاری‌های امپریالیستی برابر با ۱۵۰۰ میلیارد دلار در سال می‌باشد. بدین‌ترتیب نظر به "برقراری دمکراسی" و یا "مبارزه" با دیکتاتورها و امثالهم از جمله ظواهر امر به‌حساب آمده و تهی از حقیقت است.

اگرچه قرار بر این بود هم‌زمان با "برقراری نظم نوین جهانی"، دنیا در آرامش و مردم به دور از تبعیضات، تفاوت رنگ پوست و نژاد و یا برتری فرهنگ، از جهان پُر از ثروت بهره‌مند شوند و خبری از تشنج‌ها و بی‌عدالتی‌های مختص جهان دو قطبی نباشد! اگرچه قرار بر این بود تا مردم در جهان سازمان‌ده شده تک‌قطبی، به دور از تعرض و آن‌هم با یکپارچگی تمام به جنگ آلودگی‌ها و تغییرات اقلیمی حاصل سیاست‌های آلوده حاکم بر جهان بروند و زندگی بهتری را برای آیندگان‌شان فراهم سازند! ولی آن‌چه میلیارد‌ها انسان دردمند با آن‌ها رودرو شده‌اند، درگیری‌های به‌مراتب خشن‌تر و خونین‌تر، بمباران‌های شدیدتر به خانه محروم‌ترین اقشار جامعه، تعرض وسیع‌تر و بی‌رحمانه‌تر به مدارس و کودکان، دامن زدن بیش‌تر به اختلافات قومی و قبیله‌ای، نژادی، ناسیونالیستی، و تخریب هر چه بیش‌تر محیط زیست و نظایر این‌ها است. موضوعاتی که پایانی در آن‌ها متصور نیست و هر روز قربانیان تازه‌تری می‌گیرد. به‌طور مثال [در عرصه جنگ] کُشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر در افغانستان، کُشته شدن بیش از ۱۶۰۰۰۰ هزار نفر در سه ساله اول جنگ [یعنی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶] عراق، و در ادامه جنگ لیبیا بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ قربانی برجای گذاشت و در سوریه هم ۴۹۴۴۳۸ نفر جان خود را از دست داده‌اند؛ پُر واضح است که این قتل‌ها در چهارچوب باز تعریف "نظم نوینی" است که سرمایه‌داران مولد آنند. در ادامه اگر خواهیم به آواره شدن میلیون‌ها انسان در این چند ساله و نیز به تخریب زیرساخت‌های چندین میلیاردی اشاره کنیم، آن‌وقت کمی بهتر می‌توانیم به عمق فاجعه و به ماهیت جنگ‌های سازمان‌ده شده قدرت‌مداران بین‌المللی پی ببریم.

خلاصه و بنابه چنین نتایج مخرب‌باری، از درون جنگ اوکراین هم چیزی به‌غیر از آن‌چه را که از درون دیگر جنگ‌های امپریالیستی بیرون آمده است، نیست. جنگی که طراحی و نقشه آن در جهت حفظ و نگهداری مطلوب‌تر سیستم و مناسبات بُران‌زده امپریالیستی تنظیم شده است و مقصود آن، کنترل لوله‌های نفت و گاز از یک‌طرف، و نیز نظارت پایگاه‌های سلاح‌های هسته‌ای و بیولوژیکی، فروش سلاح‌های سبک و سنگین و دیگر ثروت‌های اوکراین از طرف‌دیگر است. با این اوصاف نه تنها مردم اوکراین، بسا که جامعه انسانی و مدافعان حقوق بشریت در پهنه جهان هم هزینه چنین جنگ‌هایی را پرداخت می‌کنند. زیرا که جنگ یکی از پُردرآمدترین حوزه اقتصادی امپریالیست‌ها به حساب آمده - و می‌آید - و بی‌علت هم نیست که بار دیگر و پس از، از رونق افتادن "مبارزه" با ویروس کرونا، کارخانه‌های تسلیحاتی [بعد از دو سه سال کساد] با شتاب هر چه بیش‌تری [و آن‌هم در چهارچوب دشمن‌تراشی‌های فرضی و غیر

طبقاتی] به راه افتاده‌اند، و به موازات آن‌ها دولت‌های امپریالیستی از جمله امریکا، انگلیس، المان، فرانسه و دیگر دولت‌های وابسته، به بودجه‌های نظامی خود افزوده‌اند تا جهان را در مسیر طبقه سرمایه‌داری هدایت کنند. سیاست و فلسفه جنگی که بنیاناً در تقابل با سیاست و فلسفه جنگی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده قرار دارد. به دیگر سخن جهان وارد تشنج تاریخی دیگر و در مسیر ناامنی هر چه پیش‌تر در گشت‌وگذار است و بی‌شک جنگ اوکراین هم در چنین راستائی قابل تبیین است و مهم‌تر این‌که در تضاد با سیاست‌های توافق شده قدرت‌مداران در عرصه بین‌المللی نیست و نیز بی‌عده به نظر می‌رسد جنگ در اوکراین خاتمه یابد؛ به‌همان دلیل که در دیگر مناطق جنگی شعله‌های آن خاموش نشده و شکل و شمایل دیگری به خود گرفته است. در نتیجه و بنابه شواهد و عکس‌العمل‌ها، در آینده دست‌جات مسلح و آن‌هم مطابق با شرایط جدید در مقابل هم خواهند ایستاد و از جامعه و از مردم هزینه خواهند گرفت. اگرچه نباید بی‌توجه به این مبحث بود که سال‌هاست منطقه دُونباس و محرومان جمهوری‌های خودخوانده، در ابعادی گسترده، درگیر جنگ بی‌رحمانه دولت هوادار غرب و دار و دسته‌های دولت روسیه در اوکراین هستند؛ نیز نباید بی‌توجه بود که هیچ‌یک از آن‌ها و علی‌رغم ادعاهای انسان‌دوستانه، مخالف شعله‌ورتر شدن جنگ‌های خانمان‌سور و در همان حال تضمین و تأمین جان و زندگی کارگران و زحمت‌کشان، زنان و کودکان نبوده و نیستند. زیرا که وظیفه‌شان پیگیری سیاست و حراست از سیستم امپریالیستی و نیز فروش بیش از پیش سلاح‌های کُشنده است؛ غرض‌شان، تخریب و آواره کردن مردم و در همان حال جلوگیری از هرگونه اعتراضات ضد جنگ و تحرکات احتمالی رادیکال کارگران و زحمت‌کشان از حکومت‌مداران و دولت‌مردان است. مضافاً نباید بی‌توجه به این مسأله بود که چنین بلبشوهائی بافتار اعتراضات و جنبش‌های مردمی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و مجالی برای درک ریشه آن باقی نمی‌گذارد. در چنین شرایط و موقعیتی بی‌سرپناهی و فرار از خانه و کاشانه و به خصوص حفظ جان کودکان از زمره اولویت‌های قربانیان سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها را تشکیل می‌دهد و بنابه‌دها مورد [و از جمله به‌دلیل فقدان سازمان‌های کمونیستی با برنامه در درون] مجال هر نوع حرکت سازمانیافته توده‌ئی و تعرضی را محدود و محدودتر می‌کند.

با این حال مردم اوکراین این‌روزها جدا از ناامنی جانی و تحمل زندگی مشقت‌بار، با جنگ ناخوابسته‌ای روبه‌رو شده‌اند که بانی آن بزرگان سرمایه‌اند. جنگی که همه و جدا از تضاد منافع و رقابت‌های غیرطبقاتی، در برپائی و در ادامه آن موافق و ذینفع‌اند. از دولت امریکا و کشورهای ناتو گرفته تا دولت روسیه و دیگر عناصر وابسته بدان‌ها با تمام توان کوشیده‌اند تا زمینه و تنور جنگ را آماده‌تر و داغ‌تر کنند و به بدبختی‌های جامعه و به تیرهریزی میلیون‌ها انسان دردمند جهان بیفزایند. جنگی که از هم‌اکنون اثرات مخرب خود را در افزایش کالاهای اولیه زندگی، در بالا رفتن بنزین و نیز در دیگر نیازهای ابتدائی مردم جهان بر جای گذاشته است. پس هیچ دولت امپریالیستی تماشاچی و در همان حال محق و بدون منفعت نیست و از زمره برندگان اصلی آن به حساب آمده و می‌آیند. یکی پیش‌تر و از طریق ارتباطات جمعی دروغینش، [و در توافق ضمنی] به خصومت‌ها افزوده است و دیگری آتش‌بیار معرکه، و به دنبال عناصر و دولت‌های وابسته بدان‌ها هم به‌عنوان بازیگران اصلی، وارد جنگ مطابق با منافع قدرت‌مداران بزرگ شده‌اند؛ جنگ رقابتی که پیرو دو سیاست و دو ایدئولوژی متضاد از هم نیست؛ بی‌سبب هم نیست که کمتر عنصر و یا تجمع مردمی از چنین وضعیتی خرسند است؛ نیز کمتر کسی بر این نظر است که سران امپریالیست، تابع دو منفعت متضاد از هم‌اند. به‌طور یقین نه دولت روسیه نماینده کارگران، زحمت‌کشان و محترم شمردن به حقوق دیگر جوامع بشری است و نه اتحادیه اروپا و ناتو و دولت امریکا، امیدها و آرمان‌های مردم اوکراین‌اند. پوتین، مکرون، بایدن، جانسون و زلنسکی و امثالهم، وابسته به سیستم و نظام امپریالیستی‌اند و کمترین تفاوتی از یک‌دیگر ندارند. پس جنگ‌شان در خدمت به تخریب زیرساخت‌های جامعه، فروش بیش از پیش تسلیحات و ابزار و آلات نظامی، سهم بری بیش‌تر و کنار زدن جناح‌های

رقیب و در ادامه جلوگیری از جنبش‌های اعتراضی و رادیکال کشورهایی همچون اوکراین است، در حالی‌که جنگ کارگران و زحمت‌کشان، تقسیم ثروت‌های جامعه، برقراری آرامش و امنیت برای ستمدیدگان و کودکان، همزیستی و همپاری با دیگر کارگران و زحمت‌کشان و آن‌هم به دور از تنش‌های سازمانده شده توسط جانیان بشریت است. این‌ها فلسفه و خصلت جنگ طبقه کارگر جهان در قبال سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها است.

۶ مارچ ۲۰۲۲

۱۵ اسفند [حوت] ۱۴۰۰